

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در گریزون
نویسنده: کیت کلارنبرگ
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۲۳ فبروری ۲۰۲۵

افشای طرح‌های مخفیانه تروریستی برای شورای امنیت ملی امریکا جهت «کمک به اوکراین در مقاومت»



اسناد تازه افشاء شده نشان می‌دهد گروهی از پژوهشگران نظامی مجموعه‌ای از ستراتیژی‌های افراطی را به شورای امنیت ملی امریکا برای اوکراین پیشنهاد داده‌اند؛ از بمب‌های دست‌ساز الهام‌گرفته از شورشیان عراقی گرفته تا تخریب زیرساخت‌های روسیه و تبلیغات روانی به سبک «داعش» این طرح‌ها تحت نظارت دانشگاه سنت‌اندروز بریتانیا تهیه و از طریق واسطه‌ها اجراء شده‌اند تا از هرگونه مسؤلیت مستقیم جلوگیری شود.

اسناد افشاء شده که توسط گریزون بررسی شده‌اند، نشان می‌دهند که چگونه یک گروه مشکوک متشکل از دانشگاہیان و عوامل اطلاعاتی-نظامی، برنامه‌هایی را طراحی کرده‌اند که منجر به کمک امریکا به اوکراین برای «مقاومت» و «طولانی‌تر کردن» جنگ نیابتی می‌شود—آن هم «به هر وسیله‌ای، به‌جز اعزام مستقیم نیروهای امریکائی و ناتو به اوکراین یا حمله به روسیه».

این عوامل بلافاصله پس از آغاز تهاجم روسیه به اوکراین در فبروری ۲۰۲۲، برنامه‌های جنگی خود را تنظیم کرده و آن‌ها را مستقیماً به یکی از مقامات ارشد شورای امنیت ملی امریکا در دولت بایدن ارائه دادند.

عملیات‌های پیشنهادی، طیف وسیعی از گزینه‌های نظامی مخفی تا عملیات روانی به سبک جهادی علیه غیرنظامیان روسیه را شامل می‌شد. نویسندگان این طرح تأکید کرده بودند که «باید از روش‌های داعش الگوبرداری کنیم».

داعش تنها گروه شبه‌نظامی نبود که به عنوان الگو برای ارتش اوکراین معرفی شده بود. این گروه اطلاعاتی همچنین پیشنهاد داده بود که بمب‌های دست‌ساز که شورشیان عراقی علیه نیروهای اشغالگر امریکائی به کار می‌بردند، برای

یک ارتش چریکی مخفی در روسیه مدرن سازی شوند؛ ارتشی که خطوط ریلی، نیروگاه‌ها و سایر اهداف غیرنظامی را هدف قرار دهد.

بسیاری از توصیه‌های این گروه در ادامه توسط دولت بایدن اجراء شد و این اقدام به‌طور خطرناکی باعث تشدید درگیری و عبور مکرر از خطوط قرمز اعلام‌شده روسیه شد.

از جمله پیشنهادهای مطرح‌شده، آموزش گسترده به «اوکراینی‌های مقیم خارج» برای استفاده از راکت‌های جاولین و استینگر، تسهیل حملات سایبری علیه روسیه توسط «هکرهای میهن‌پرست» به شکلی که ردگیری آن‌ها دشوار باشد، و ارسال حجم بالایی از پهپادهای جنگی به کییف بود. همچنین پیش‌بینی شده بود که «جنگنده‌های جایگزین» از منابع مختلف تأمین شوند و «خلبانان و خدمه زمینی داوطلب غیر اوکراینی» برای شرکت در نبردهای هوایی به کار گرفته شوند—مشابه گروه Flying Tigers، نیروئی متشکل از خلبانان نیروی هوایی امریکا در جنگ جهانی دوم که در اپریل ۱۹۴۱ برای کمک به چین در برابر تهاجم جاپان، پیش از ورود رسمی واشنگتن به جنگ، تشکیل شد.

این سند توسط گروهی از دانشگاهیان با سوابق بحث‌برانگیز نوشته و امضاء شده است. این افراد شامل:

اندرو اور، مدیر مؤسسه تاریخ نظامی دانشگاه کانزاس که اخیراً در یک کتاب دانشگاهی مقاله‌ای با عنوان «سرباز کیست؟ استفاده از نظریه ترنس برای بازاندیشی در هویت نظامی زنان فرانسوی در جنگ جهانی دوم» منتشر کرده است.

اش راسیتر، استادیار امنیت بین‌الملل در دانشگاه خلیفه امارات و عضو سابق «ارتش اطلاعات بریتانیا».

مارسل پلیختا، که در زمان نگارش سند، دانشجوی دکتری در دانشگاه سنت‌اندروز بود. او سابقه فعالیت در آژانس اطلاعات دفاعی امریکا (DIA) را دارد و در پروفایل لینکدینش اشاره کرده که پیش از پیوستن به DIA به عنوان تحلیلگر اطلاعاتی، در ناتو و شرکت‌های پیمانکار پنتاگون کار کرده است. او همچنین مدعی است که «تروریست‌های شناخته‌شده یا مظنون را برای فهرست‌های نظارتی ملی معرفی کرده است».

زکری کالنبورن، فردی که خود را یک «دانشمند دیوانه» در ارتش امریکا معرفی کرده و در حال حاضر دکترای خود را در مطالعات جنگی در کینگز کالج لندن دنبال می‌کند. تمرکز او بر پهپادها، سلاح‌های کشتار جمعی و سایر اشکال مدرن جنگ است. کالنبورن، که در اندیشکده مرکز مطالعات ستراتیژیک و بین‌المللی در واشنگتن نیز فعالیت داشته، در طرح‌های جنگی علیه روسیه، پیشنهادهایی درباره استفاده از بمب‌های هوشمند شبیه به شورشیان عراقی و کاشت بمب در قطرها و خطوط ریلی روسیه ارائه داده است.

به نظر می‌رسد که رهبری این گروه بر عهده مارک آر. دوور، استاد ارشد دانشگاه سنت‌اندروز بریتانیا بوده است. اطلاعات کمی درباره سوابق شخصی و حرفه‌ای او در اینترنت موجود است، اما آخرین مقالات دانشگاهی او به ستراتیژی‌های نظامی اختصاص دارد. در زمان تهیه این اسناد، او مقاله‌ای را به همراه اور برای نشریه Military Review، که متعلق به پنتاگون است، منتشر کرد. عنوان مقاله آن‌ها «پیروزی با فرسایش: ایالات متحده و مقاومت اوکراین در برابر روسیه» بود. علاوه بر این، او عضو اندیشکده مرکز مطالعات ستراتیژیک نیروی بحری سلطنتی بریتانیا است که تحت مدیریت وزارت دفاع این کشور فعالیت می‌کند.

ایمیل‌ها نشان می‌دهد که دوور مستقیماً نتایج کار این گروه را به سرهنگ تیم رایت، که در آن زمان مدیر بخش روسیه در شورای امنیت ملی دولت بایدن بود، ارسال کرده است. مطابق پروفایل لینکدین او، از جولای ۲۰۲۲، رایت به عنوان معاون رئیس بخش پژوهش و آزمایشات در دیارتمان آینده‌پژوهی ارتش بریتانیا مشغول به کار است.

گریزون تلاش کرد تا با اور، راسیتِر و دوور از طریق تلفون و ایمیل تماس بگیرد و درباره نقش آن‌ها در این جنگ نیابتی و همچنین آگاهی دانشگاه سنت‌اندروز از این که به عنوان پایگاهی برای طراحی حملات تروریستی علیه روسیه مورد استفاده قرار گرفته است، از آن‌ها توضیح بخواهد. هیچ‌کدام به درخواست‌های ما پاسخ نداده‌اند.

بسیج اوکراینی‌های مهاجر برای اعزام به جبهه

با شدت گرفتن جنگ نیابتی اوکراین در فبروری ۲۰۲۲، گروه دانشگاهیان نظامی به سرعت مجموعه‌ای از پیشنهادها را مطرح کردند که از آن‌ها به عنوان «ایده‌هایی با میزان عملیاتی بودن متفاوت که ممکن است پیش‌تر مورد توجه قرار نگرفته باشند، اما دولت‌های غربی می‌توانند به‌طور جمعی برای تقویت توان مقاومت اوکراین و حفظ استقلال آن انجام دهند» یاد شده است. در این سند، پنج پیشنهاد به‌طور جداگانه همراه با «پیش‌زمینه و مسیرهای ممکن برای اجرای آن‌ها» ارائه شده است. نویسندگان این اسناد تأکید داشتند که سریع‌ترین پیشنهادهای این مجموعه «در مدت کمی بیش از یک هفته قابل اجرا هستند.»

اولین پیشنهاد، تجهیز مهاجران اوکراینی به راکت‌های ضدتانک و ضدهوایی بود، چراکه کییف فاقد «نیروهای آموزش‌دیده کافی برای استفاده از حجم انبوه راکت‌هایی» بود که از سوی غرب ارسال می‌شد. در این سند، عملیات نیکل گرس در اکتوبر ۱۹۷۳ (که کمتر شناخته شده است) به‌عنوان نمونه‌ای ذکر شده که در آن، واشنگتن در کنار ارسال تسلیحات، نیروهای آموزش‌دیده را نیز تأمین کرد.

در جریان آن مأموریت، سفارت اسرائیل در واشنگتن، دانشجویان اسرائیلی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های آمریکا را بسیج کرد و ارتش آمریکا آن‌ها را «به‌سرعت از یک برنامه آموزشی فشرده» عبور داد. این آموزش شامل یادگیری نحوه استفاده از تسلیحاتی مشابه راکت‌های جاولین و استینگر بود. سپس این افراد با هواپیما مستقیماً به خط مقدم جنگ یوم کیپور ۱۹۷۳ علیه سوریه و مصر منتقل شدند، جایی که آن‌ها «پیش از پایان این جنگ دو هفته‌ای، تعداد قابل‌توجهی از تانک‌های دشمن را نابود کردند.»

دانشگاهیان پیشنهاد دادند که «دقیقاً همین کار برای اوکراین انجام شود» زیرا تعداد زیادی از جوانان اوکراینی در کشورهای غربی زندگی می‌کنند که برخی از آن‌ها قبل از مهاجرت، دوره‌های خدمت نظامی اجباری را گذرانده‌اند. این گروه مهاجران را می‌توان از طریق کنسولگری‌ها یا سفارتخانه‌های اوکراین در کشورهای غربی شناسایی و جذب کرد و پس از آن، آموزش‌های فشرده در زمینه استفاده از راکت‌های دوش‌پرتاب را دریافت کرده و به کییف اعزام شوند.

«جنگجویان داوطلب سایبری» برای پنهان کردن حملات دولتی

طرح این گروه چهار نفره، به حوزه جنگ سایبری نیز کشیده شد. آن‌ها خواستار آن شدند که «آژانس‌های اطلاعاتی غربی» ابزارهای سایبری و راهکارهایی را در اختیار «هکرهای داوطلب» قرار دهند که مایل به انجام حملات سایبری در حمایت از استقلال اوکراین هستند، در عین حال به آن‌ها هشدار دهند که چه اهدافی نباید مورد حمله قرار گیرند.

این گروه نوشت: «یکی از وظایف اصلی این جنگجویان سایبری داوطلب، این خواهد بود که ویدیوهایی از حملات بی‌رویه روسیه، استفاده از تسلیحات ممنوعه مانند ترموباریک، تلفات غیرنظامیان اوکراینی، تلفات نیروهای روس و سربازان روسی سردرگم و اسیر را در دسترس مخاطبان روسی قرار دهند.»

همزمان، «هکرهای میهن پرست» می‌توانند با بمباران تبلیغاتی، روس‌ها را در مورد مخالفت‌های داخلی با جنگ تحت تأثیر قرار دهند.

این گروه اطلاعاتی صریحاً اعلام کرد که آن‌ها به دنبال دستیابی به همان تأثیر روانی هستند که معروفترین سازمان تروریستی جهان ایجاد کرده است. در این سند آمده است: «ما باید روش‌های ارتباطی سریع داعش را در انتقال پیام به روس‌ها به کار بگیریم.»

فعالیت این «جنگجویان داوطلب سایبری» به گونه‌ای طراحی شده بود که پوششی برای حملات سایبری سطح دولتی علیه زیرساخت‌های سایبری روسیه فراهم کند. در این سند آمده است:

«هرچه حجم حملات سایبری داوطلبانه علیه روسیه بیشتر باشد، فرصت‌های بیشتری برای آژانس‌های اطلاعاتی غربی فراهم می‌شود تا در لحظات حساس، حملات سایبری دقیق و حساب‌شده‌ای را برای مختل کردن سیستم‌های کلیدی انجام دهند... زیرا در این صورت، چنین حملاتی به‌طور معقولی به هکرهای آماتور نسبت داده خواهد شد.»

توصیفی که در این سند ارائه شده، بشدت شبیه به «ارتش IT اوکراین» است؛ گروهی از هکرهای داوطلب که در روزهای اولیه حمله روسیه تشکیل شد. این گروه تحت نظارت میخایلو فدوروف، مسوول دیجیتال اوکراین، فعالیت می‌کند—همان فردی که بی‌بی‌سی او را مسوول متقاعد کردن شرکت‌هایی مانند سامسونگ و انویدیا برای توقف فعالیت در مسکو و همچنین متقاعد کردن پیل برای مسودسازی حساب‌های کاربران روس معرفی کرده است.

ارتش سایبری اوکراین همکاری نزدیکی با گروه هکری «ناشناس» دارد—گروهی که در گذشته یک جنبش سایبری ضدسیستم محسوب می‌شد اما اکنون اقدامات آن به اهداف سازمان سیا بسیار نزدیک شده است. نویسندگان این سند در پیشنهاد خود به شورای امنیت ملی امریکا به این موضوع اشاره کرده و نوشته‌اند:

«گروه‌های هکری مانند Anonymous پیش‌تر حملات به روسیه را آغاز کرده‌اند. این تلاش می‌تواند گسترش یابد و تقویت شود.»

ارتش سایبری اوکراین مسوولیت حملات سایبری گسترده‌ای را برعهده گرفته است، اما به نظر می‌رسد که در حملات به شبکه‌های برق و خطوط راه‌آهن روسیه نیز دست داشته است. حمله‌ای که در سپتامبر ۲۰۲۲ موجب ایجاد ترافیک سنگین در مسکو از طریق مختل‌سازی سیستم تاکسی اینترنتی یاندکس شد، به‌طور مشترک به ارتش IT اوکراین و گروه Anonymous نسبت داده شد.

«بمب‌های دست‌ساز مدرن» برای تخریب زیرساخت‌های روسیه

برنامه‌های این گروه دانشگاهی برای حمله به روسیه از طریق روش‌های نامتعارف، مستقیماً وارد حوزه تروریسم شد. زکری کالنبورن، که خود را «دانشجوی دکترای مطالعات جنگ در کینگز کالج لندن» معرفی می‌کند، مجموعه‌ای از توصیه‌های دقیق برای حمله به خطوط راه‌آهن و جاده‌های روسیه با استفاده از بمب‌های دست‌ساز (IED) ارائه داد.

او نوشت: «مخازن سوخت لکوموتیوهای دیزلی معمولاً در قسمت پائین، زیر موتور قرار دارند. پنهان کردن و کار گذاشتن مواد منفجره کوچک بین تخته‌های چوبی ریل‌ها کار چندان سختی نیست. این مواد می‌توانند زمانی که لکوموتیو بالای آن‌ها قرار دارد، منفجر شوند... در حالت ایده‌آل، نیروهای چریکی که در پشت خطوط روسیه فعالیت می‌کنند، این خطوط ضد لکوموتیو را کار خواهند گذاشت.»

در سال ۲۰۲۳، یک گروه آنارشویست روسی و بلاروسی به نام BOAK، که خود را «سازمان مبارز آنارکو-کمونیست‌ها» معرفی می‌کند، حملاتی به خطوط راه‌آهن، برج‌های مخابراتی و سایر زیرساخت‌ها در داخل روسیه انجام

داد. این گروه خرابکار افراطی، پوشش رسانه‌ای گسترده‌ای در غرب دریافت کرد، اما مشخص نیست که آیا از منابع خارجی نیز کمک دریافت کرده است یا خیر.

پیشنهاد کالن‌بورن: استفاده از تجربه جنگ‌های عراق و افغانستان برای کارزار بمب‌گذاری در روسیه

پیشنهاد کالن‌بورن، که با همکاری سازمان مشترک شکست IED (بمب‌های دست‌ساز) در وزارت جنگ امریکا تدوین شده بود، پیشنهاد می‌کرد که امریکا و متحدانش از درس‌هایی که بسختی در عراق و افغانستان آموخته‌اند، برای کمک به اوکراین در سازماندهی یک کارزار بمب‌گذاری در پشت خطوط روسیه بهره ببرند. کالن‌بورن با الهام از تاکتیک‌های طالبان و شورشیان عراقی، دو فناوری را برای افزایش اثربخشی این کارزار پیشنهاد داد:

(۱) رمزنگاری کلید عمومی-خصوصی

(۲) بمب‌های دست‌ساز «هوشمند»

او نیروهائی مخفی در داخل روسیه را تصور کرد که مشابه «نیروهای باقی‌مانده» در عملیات گلادیو در دوران جنگ سرد عمل کنند—زمانی که سازمان سیا و ناتو، باندهای فاشیستی و مافیای را برای انجام حملات تروریستی ضدکمونیستی سازماندهی کردند.

در همین حال، بمب‌های دست‌ساز «هوشمند» با اجزای مدرن مانند ریزکنترل‌گرها (میکروکنترلرها) که اکنون «فراوان و ارزان» هستند، به مهاجمان اوکراینی این امکان را می‌داد که «کنترل بیشتری بر حملات خود داشته باشند، احتمال آسیب‌های جانبی را کاهش دهند و بدون توجه به اقدامات هدف، بمب را منفجر کنند».

کالن‌بورن نوشت: «مدارهای ریزکنترل‌گرها می‌توانند بیشتر مداراتی را که قبلاً در سوییچ‌های انفجاری بمب‌های دست‌ساز سیم‌کشی شده بودند، در خود جای دهند. این ریزکنترل‌گرها ورودی و خروجی‌های متعددی دارند که به مهاجمان امکان می‌دهد تا الگوریتم‌های پیچیده‌ای را برای به حداکثر رساندن تأثیر بمب و کاهش خسارات جانبی برنامه‌ریزی کنند. این فناوری حتی می‌تواند بسیاری از اقدامات ضدبمب متداول را دور بزند.»

به‌کارگیری مخفیانه پیمانکاران برای هدایت پهپادها

در حالی که این طرح‌ها از گروه‌های غیردولتی مانند داعش و طالبان الهام گرفته شده بودند، دانشگاهیان غربی که برای دولت اوکراین برنامه‌ریزی می‌کردند، برنامه‌های گسترده‌ای نیز برای جنگ متعارف داشتند.

آن‌ها ارزیابی کردند که پهپادها تاکنون در جنگ نیابتی مؤثر بوده‌اند و از این‌رو خواستار ارسال تعداد بیشتری پهپاد بیرق‌دار TB2 ساخت ترکیه شدند، زیرا این پهپادها «عملاً تنها پلتفرم هوایی بودند که اوکراین با آن موفق شده بود نیروهای زمینی روسیه را هدف قرار دهد.» آن‌ها پیشنهاد کردند که اوکراین با موجی از پهپادهای TB2 تجهیز شود.

نویسندگان اشاره کردند که چون اوکراین پیش از آغاز درگیری، این پهپادها را سفارش داده بود، ترکیه می‌توانست تأمین پهپادهای بیشتر را مخفیانه انجام دهد، به‌گونه‌ای که بی‌طرفی رسمی آن در جنگ حفظ شود.

دانشگاهیان بر این باور بودند که ترکیه می‌تواند به‌سرعت تعداد قابل‌توجهی پهپاد TB2 را از منابع مختلف منتقل کند، و پیشنهاد کردند که این پهپادها توسط پیمانکاران خصوصی محلی هدایت شوند. اگر ترکیه از این برنامه سر باز زند، گزینه‌های جایگزین بررسی شوند. آن‌ها اشاره کردند که «با توجه به این‌که پهپادهای رزمی (UCAV) معمولاً توسط

بیمانکاران خصوصی هدایت می‌شوند، این پهپادها می‌توانند توسط نیروهای خصوصی استخدام‌شده از سوی اوکراین کنترل شوند، به‌جای آن‌که مستقیماً توسط اعضای رسمی ناتو هدایت شوند.»

از آنجائی که پهپادها می‌توانند از فواصل قابل‌توجهی دورتر از خط مقدم هدایت شوند (احتمالاً از کشورهای همسایه)، این روش مزیتی دیگر دارد—چراکه خلبان‌های پیمانی نسبت به نیروهای رسمی، در امنیت بیشتری قرار دارند و خطر اسارت و نمایش تبلیغاتی در رسانه‌های روسیه برای آن‌ها کمتر است.

در این سند اشاره شد که هرچند پهپادهای پروداتور و رپیر ساخت آمریکا در تعداد زیاد قابل ارسال هستند، اما از نگاه روسیه، تحریک‌آمیزترین گزینه به شمار می‌آیند و حضور مستقیم آمریکا را آشکار می‌کنند. در عوض، اوکراین می‌توانست پهپادهای تجاری مانند DJI Mavic و Phantom را دریافت کند، زیرا این پهپادها نه‌تنها دارای تجهیزات ضبط اطلاعات تاکتیکی مفید بودند، بلکه می‌شد آن‌ها را برای حمل مواد منفجره تغییر داد.

در سند آمده بود که «دسترسی گسترده به این پهپادها، نسبت دادن منشأ آن‌ها به یک کشور تأمین‌کننده را دشوار می‌سازد.» جای تعجب نیست که از آن زمان، کیف به طور گسترده از این پهپادها برای کند کردن پیشروی روسیه و حمله به تأسیسات نظامی و غیرنظامی استفاده کرده است.

در مقابل، پهپادهای بیرق‌دار TB2 علی‌رغم موفقیت‌های اولیه، خیلی زود از آسمان دونباس ناپدید شدند. چندین مقام اوکراینی اعتراف کرده‌اند که نوآوری‌های روسیه در دفاع هوایی و جنگ الکترونیک، این پهپادها را عملاً بی‌اثر کرده است.

تجهیز اوکراین به جنگنده‌های میگ-۲۹ برای جبران کمبود نیروی هوایی

در حالی که نیروی هوایی اوکراین همچنان عملیات‌هایی انجام می‌داد، سند هشدار داد که کیف بزودی با کمبود شدید هواپیما مواجه خواهد شد. راه‌حل پیشنهادی، تجهیز اوکراین به جنگنده‌های میگ-۲۹ ساخت شوروی بود، چراکه خلبانان اوکراینی از قبل با نحوه استفاده از آن‌ها آشنا بودند.

اما این برنامه نیازمند آن بود که چندین کشور، ناوگان قدیمی میگ-۲۹ خود را به اوکراین تحویل دهند. دانشگاهیان ابراز نگرانی کردند که کشورهای اروپای مرکزی و شرقی ممکن است «به دلیل خطر تلافی‌جویی روسیه» از این کار خودداری کنند. به‌عنوان راه‌حلی برای این مشکل، پیشنهاد شد که این کشورها در ازای ارائه جنگنده‌ها، وعده دریافت تسلیحات پیشرفته‌تر را دریافت کنند.

یک سال بعد، در مارچ ۲۰۲۳، اسلواکی تمام ۱۳ جنگنده میگ-۲۹ خود را به اوکراین اهداء کرد، در ازای وعده آمریکا برای تحویل ۱۲ بالگرد تهاجمی بل AH-1Z مجهز به راکت‌های هلفایر.

پولند نیز در ابتداء قول داد که کمک مشابهی ارائه دهد، اما در نهایت فقط تعداد محدودی جنگنده ارسال کرد. این معامله از اگست ۲۰۲۴ به تعویق افتاد، زمانی که وارسا اعلام کرد تا زمانی که ناوگان جنگنده‌های اف-۳۵ خود را دریافت نکنند (که انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۶ برسند)، هیچ میگ-۲۹ بیشتری به اوکراین تحویل نخواهد داد.

پرو نیز که به‌عنوان یک منبع احتمالی جنگنده‌ها در نظر گرفته شده بود، در ابتداء با ارسال میگ-۲۹‌های خود به اوکراین موافقت کرد، اما سپس از این تصمیم عقب‌نشینی کرد. در مجموع، دولت‌های امریکای لاتین تاکنون به‌رغم فشارهای امریکا، از ارسال هرگونه تسلیحات به اوکراین خودداری کرده‌اند.

جنگ هوایی علیه روسیه با خلبانان «غیراوکراینی»

شاید نگران‌کننده‌ترین بخش این سند، قسمت پایانی آن باشد، جایی که نویسندگان به نمونه‌های تاریخی از استفاده نیروهای هوایی از خلبانان خارجی در درگیری‌های بزرگ اشاره می‌کنند.

در این سند به «ببرهای پرنده» اشاره شده است، گروهی از خلبانان امریکایی که از نیروهای مسلح ایالات متحده مرخص شدند تا در جنگ چین علیه جاپان شرکت کنند، «با این درک روشن که پس از آن به ارتش بازگردانده خواهند شد.»

همچنین، استفاده فنلاند از یک اسکادران کاملاً متشکل از خلبانان خارجی در جنگ ۱۹۴۰ با مسکو و نیز اتکای شهرک‌نشینان صهیونیست بر یک نیروی هوایی که تقریباً به‌طور کامل از داوطلبان خارجی تشکیل شده بود در جنگ ۱۹۴۸ علیه نیروهای بومی فلسطینی و عرب ذکر شده است.

دانشگاهیان پیشنهاد کردند که این سوابق تاریخی را در جنگ نیابتی اوکراین عملی کنند و گروه‌هایی از «خلبانان داوطلب» برای تقویت دفاع هوایی اوکراین تشکیل دهند، متشکل از «تعداد معقولی از خلبانان غربی.» آن‌ها نوشتند که این خلبانان «ممکن است داوطلب شوند اگر نیروهای مسلح کشورشان به آن‌ها مرخصی اعطا کند» — همین‌طور، خلبانان غیرنظامی نیز ممکن است در صورتی که خطوط هوایی تجاری امریکا تحت فشار قرار گیرند تا به خلبانانشان (که در نیروی ذخیره هوایی یا گارد ملی هوایی آموزش جنگنده دیده‌اند) اجازه چنین مرخصی‌هایی را بدهند. این سند مدعی بود که «گروه‌های جنگنده داوطلب می‌توانند به طور قابل‌توجهی کارزار هوایی روسیه را مختل کنند.»

اف-۱۶، گزینه‌ای منطقی برای جنگ نیابتی

در این سند، اف-۱۶ «منطقی‌ترین گزینه» معرفی شده بود، زیرا بسیاری از اعضای ناتو، از جمله پولند، از این جنگنده استفاده می‌کنند.

طبق این پیشنهاد، «قطعات یدکی پولند می‌توانستند به‌سرعت از طریق جاده وارد اوکراین شوند، در حالی که ایالات متحده جایگزین‌های آن را با هواپیما به وارسا ارسال کند.»

از همان روزهای ابتدایی جنگ نیابتی، تندروترین حامیان اوکراین خواستار ارسال این جنگنده‌ها به کیف بودند، و آن‌ها را «تغییردهنده قواعد بازی» می‌نامیدند، زیرا می‌توانستند معادله جنگ را به نفع اوکراین تغییر دهند.

اما پس از ماه‌ها هیاهو، وقتی اف-۱۶ها سرانجام در اواخر جولای ۲۰۲۴ به کیف رسیدند، ولودیمیر زلنسکی بلافاصله از تعداد اندک آن‌ها و کمبود خلبانان آموزش‌دیده برای هدایتشان شکایت کرد.

این وضعیت باعث نگرانی در واشنگتن شد، تا جایی که سناتور لیندسی گراهام علناً از هر «خلبان بازنشسته اف-۱۶ که مایل به جنگ برای آزادی است» خواست که داوطلب شود.

با این حال، در پایان همان ماه، نخستین اف-۱۶ در شرایط نامعلوم سقوط کرد.

از آن زمان، رسانه‌ها دیگر بندرت درباره استفاده «تغییردهنده بازی» از اف-۱۶ها توسط اوکراین صحبت کرده‌اند، اما محتوای این سند سوالات جدی را درباره این‌که چه تعداد از حملات به عمق خاک روسیه واقعاً توسط عوامل نظامی غربی انجام شده‌اند، مطرح می‌کند — عواملی که تحت هدایت و با حمایت مادی ناتو و ایالات متحده فعالیت کرده‌اند.

غرب، خلبانان آموزش‌دیده‌تری نسبت به روسیه دارد، اما نباید در خط مقدم پرواز کنند

در این سند ادعا شده است که «خلبانان جنگنده غربی، به‌ویژه در اروپای غربی و امریکا، معمولاً ساعات پرواز بیشتری دارند و آموزش آن‌ها واقع‌گرایانه‌تر از هم‌تایان روسی و اوکراینی‌شان است.»

این ویژگی آن‌ها را به گزینه‌ای ایده‌آل برای انجام «مأموریت‌های جنگی» علیه مواضع، نیروها و قلمرو روسیه تبدیل می‌کند.

با این حال، نویسندگان سند هشدار دادند که نباید خلبانان غربی را برای پرواز در نزدیکی خط مقدم به کار گرفت، زیرا «در صورت اسارت داوطلبان خارجی توسط روسیه، ممکن است از آن‌ها برای اهداف تبلیغاتی استفاده شود یا نمونه‌ای عبرت‌آموز از آن‌ها ساخته شود.»

این اشاره احتمالاً به ماجرای گری پاورز، خلبان سازمان سیا که توسط شوروی اسیر شد، و یوجین هاسنفوس، که در نیکار آگوه دستگیر شد و موجب آبروریزی اطلاعاتی ایالات متحده شد، مربوط می‌شود.

طرح‌های جنگی غیرمتعارف، حاصل کار حلقه‌ای کوچک از دانشگاهیان

هنوز مشخص نیست تا چه حد این پیشنهادها در روند عملیات‌های اوکراین علیه روسیه تأثیرگذار بوده‌اند. اما افشاگری‌های بررسی‌شده توسط وبسایت Grayzone برای نخستین بار نشان می‌دهد که در عرض تنها چند هفته، گروه کوچکی از دانشگاهیان به‌طور مخفیانه، مجموعه‌ای از برنامه‌های جنگی کاملاً غیرمتعارف را در اختیار سازمان‌های اطلاعاتی مانند سیا و MI6 قرار دادند.

همان‌طور که بریتانیا در پروژه «Alchemy» (کیمیا) این کار را انجام داد، به نظر می‌رسد که دولت بایدن نیز مسؤلیت طراحی ستراتیژی جنگی اوکراین را به یک گروه از «نخبگان روشنفکر» با سوابق مشکوک واگذار کرده است—افرادی که هزاران کیلومتر دورتر از خط مقدم و واقعیت‌های هولناک جنگ، در دفاتر دانشگاهی خود نشسته‌اند و نقشه می‌کشند.

سه سال بعد، در حالی که یک نسل از اوکراینی‌ها در ماشین جنگی این نبرد نیابتی از بین رفته‌اند، احتمالاً نویسندگان این طرح‌های جنگی همچنان در گوشه‌ای از راهروهای نمودر دانشگاه‌هایشان، مشغول تایپ روی لپ‌تاپ‌هایشان هستند.

[۲۱ فبروری ۲۰۲۵](#)